

به دنبال توسعه پایدار جنگل

● تاریخ هفتادساله جنگلبانی، نشان می‌دهد که سطح جنگل - با ازدیاد جمعیت از ۸ میلیون نفر به ۶۰ میلیون نفر - از ۲۰ میلیون هکتار، به حدود ۳/۵ میلیون هکتار کاهش پیدا نموده یا به عبارتی، بهره‌برداری و تخریب بیش از اندازه و بی‌رویه در طول ۷۰ سال، موجب کاهش ۷۰ درصد سطح جنگلهای کشورمان شده است. آنچه غیر از کاهش سطح جنگلها مطرح است، کاهش میزان زیست جرم Biomass جنگلها است که اثر شدیدی در کاهش توان تولیدی جنگل، داشته است.

● تخریب زیادی در جنگلهای ایران صورت گرفته است و لازمه آن، توجه مشترک دولت و مردم به این مهم است زیرا جنگلهای کشورمان، دارای پتانسیل حفاظت خاک، تنظیم جریانات آبی، کنترل سیلاب، تلطیف کننده هوا، کنترل کننده انواع آلودگی، محیط زیست حیوانات و انسان به شمار می‌روند.



● مقدمه

امروزه، در بین گونه‌های گیاهی، گیاهان متعددی را می‌توان برشمرد که در ازمنه گذشته، در کشور ما می‌زیسته‌اند، ولی اکنون به غیر از بقایای فسیلی یا تعدادی اندک و معدود، به صورت پراکنده، اثری از آنها نمانده است.

در ترکیب فلور گیاهی ایران نیز بسیاری از گونه‌ها و جنسها و حتی گروههای سیستماتیک وسیعی از گیاهان و درختان وجود داشته‌اند، که امروزه به حداقل فراوانی خود در کشور رسیده‌اند. اساساً احتیاجات زیستی گیاهان در انتشار جغرافیایی آنها تأثیر بسزایی دارد و تغییراتی که بشر در این زیستگاهها، به صورت قطع بی‌رویه درختان، بهره‌برداری نامعقول، ایجاد آلودگی، توسعه فرسایش خاک و غیره بوجود آورده، سبب ایجاد محدودیت در تأمین احتیاجات زیستی درختان و جوامع جنگلی گردیده است. یکی از مفاخر عمده کشور، بیوم جنگلهای برگریز و یا پهن برگ شمال ایران است که از آستارا در شمال غربی کشورمان آغاز و تا گلیداغی در شمال شرقی در حاشیه دریای خزر ادامه دارد. در گذشته نه چندان، دور سطح وسیعی از اراضی حاشیه دریای خزر و دامنه شمالی آن تا ارتفاعات رشته کوههای البرز را درختان جنگلی پوشانیده بود؛ اما با قطع بسیاری از این درختان و تبدیل آنها به زمینهای قابل کشت و باغات میوه، سطح بسیاری از این جنگلها تغییر نموده است.

بیوم جنگلهای بلوط ایران، که از شمال غربی کشورمان (از آذربایجان) آغاز می‌شود و در قسمت جنوب شرقی تا استان فارس ادامه دارد نیز، در وضعیت بهتری از بیوم جنگلهای برگریز شمال ایران ندارد و بتدریج انبوهی سطح آن هم رو به کاستی می‌رود.

بیوم جنگلهای نیم گرمسیری، که تا کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان ادامه دارد نیز، وضعیت مشابه سایر بیومها قرار دارد. از بیومهای جنگلی کشورمان، بیوم بیابانی است که به علت قلت بارندگی و رطوبت، قسمتهای وسیعی از آن را تپه‌های سنی و اراضی شور پوشانیده است و جنگلهای شور بسند و شن دوست نیز در آن نواحی وجود دارد. به هر جهت، جنگل، واقعاً، تنها ۲ درصد سطح کشورمان را شامل

می‌شود و جنگلهای بالقوه، کمتر از ۱۲ درصد سطح مملکت را می‌تواند، بیوشاند. میزان سرانه فعلی جنگل در کشور ما حدود ۵ درصد هکتار است که رقم بسیار ناچیزی است، ولی اهمیت همین مقدار جنگل، در نقش اکولوژیک و حفاظت محیط زیست آن است که علاوه بر اثرات داخلی در کشورمان، دارای تأثیرات بیرون مرزی برای سایر کشورهای همجوار نیز می‌باشد. با این مقدمه کوتاه سعی می‌شود، نقش و اهمیت جنگل در ایران و امکانات توسعه را برای تعیین استراتژی ملی، مورد نگرش قرار دهیم.

بررسیهای تاریخی نشان می‌دهد که اسکندر مقدونی، وقتی سیاه خود را از حدود کرمان امروزی عبور می‌دهد، اشاره به جنگلهای پریشت آن نواحی می‌نماید و ارباهای خود را مزین به سرشاخه و چوب پسته وارژن می‌کند و ابومسلم خراسانی، سیاه سیاه جامه خود را مجهز به چوب دستی سیاه از چوب جنگلهای شمال خراسان می‌کند، یا وقتی تیمور گورکانی، سیاه خود را در نواحی شرقی ایران گم می‌کند، آنان را در جنگلهای انبوه بادام می‌یابد. عدم نفوذ اعراب به شمال کشورمان، فقط به واسطه جنگلهای انبوه و متراکم اطراف دریای خزر و طبرستان بوده و همواره ببر و جنگل آن خطه، داستان ساز سرداران، مردم عرب و مستشرقین بازدید کننده، بوده است. رشته کوههای غرب کشور نیز، مزین به دژی از جنگلهای انبوه درختان بلوط بوده که مانع نفوذ بیگانگان به خاک و تمدن مردم این سامان شده و آتشکده‌های به جای مانده امروزی، که دو روبر آن خالی از درخت است، تکیه‌گاه و سوخت آن به وسیله جنگلهای اطراف تأمین می‌شده و شب و روز با آتش خود، راهنمای کاروانیان و راه‌گم کردگان بوده است.

سون هدین مستشرق سوئدی وقتی در سالهای ۱۸۷۲ از ایران عبور می‌کند، اشاره به جنگلهای کویری ایران نموده است و درختان صبور و تبر خورده تاغ را، همزاد تپه سنی می‌داند.

پل امیر نویسنده کتاب خداوند الموت، اشاره به فرسایش خاک در اثر از دست رفتن و تخریب جنگلهای منقلقه قهستان (حوالی سهر طیس) در زمان حسن صباح می‌کند و چنین می‌نکارد: فرسایش خاک و قطع درختان، دامنه‌های سبز و جنگلی

قهستان را مبدل به کویر کرد، ولی هنوز آثار این جنگلها در دامنه‌ها، به شکل چوبهای خشک وجود دارد و امروزه یکی از وسایل تحصیل معاش مردم آنجا این است که به کوه بروند و چوب خشک جنگلهای قدیمی را به شهر ببرند و بفروشند.

دهها مدارک مدلل تاریخی، همه گواه بر وجود جنگلهای انبوه و پرشیب این مرز و بوم است. قصد ما مرثیه سرایی و ذکر مصیبت آنچه از دست داده‌ایم و هنوز هم می‌دهیم، نیست؛ بلکه فقط قرار گرفتن در مسیر توسعه و احیای این منابع خداداد است که برای کشور ما، امری الزامی و قابل اهمیت است.

● مدیریت جنگل

در گذشته دور، کسی نسبت به جنگل احراز مالکیت نداشت و جنگلها در قلمرو کشور یا حکومتهای محلی و افراد استفاده کننده از آن، قرار داشتند، از حدود ۴۰۰ سال گذشته (اوائل قرن دهم هجری)، به تدریج جنگلها، در زمینه مالکیت دولت و مردم به حساب آمدند و محدوده‌های متصرفی برای افراد تعیین شد. پس از تنظیم قوانین ثبت اسناد در سالهای بعد از ۱۳۰۴، محدوده بعضی از آنها نیز به ثبت داده شد. قبل از سال ۱۳۴۲، جنگل در سه نوع مالکیت قرار داشت. مالکیت اربابان، مالکین و خوانین محلی، حدود ۵۰ درصد مالکیت دربار و درباریان حدود ۲۵ درصد و مالکیت دولتی نیز، حدود ۲۵ درصد را تشکیل می‌داد. در سال ۱۳۴۲، کلاً هر گونه مالکیت خصوصی و دربار لغو شد و جنگل، بصورت ملی و مالکیت عمومی در آمد.

قبل از سال ۱۳۰۰، از نظر مدیریت و بهره‌برداری از جنگل؛ مالکین، خوانین، نمایندگان دربار و دولت نسبت به بهره‌برداری از جنگل تصمیماتی می‌گرفتند که مجری آن، اغلب شرکتهای خارجی بودند. چون اساساً، جمعیت در محدوده‌های جنگلی کم بود، به بنیان اکوسیستمهای جنگلی آسیبی وارد نمی‌آمد، تا این که در سالهای ۱۲۹۸ شمسی، مدیریت بخش جنگل، به صورت دایره در وزارت فلاحت بوجود آمد و به تدریج، با توجه به نیاز و اهمیت آن، تغییرات سازمانی و تشکیلاتی پیدا نمود. تا امروزه که بخش جنگل، زیر نظر وزارت جهادسازندگی اداره می‌شود.

فوانین و مقررات جنگل نیز، در ابتدا بسیار خلاصه و موردی بود. در سالهای ۱۳۴۶، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۴ قوانین حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و اصلاحیه آن تنظیم شد که اشراف بر جنگلها داشته است. جنگلهای شمال کشور، در حاشیه دریای خزر، به عنوان جنگل تجاری مطرح و پتانسیل بهره‌برداری از جنگل در قالب طرحهای جنگلداری و مکانیزاسیون پیش‌بینی گردید، ولی متأسفانه، از یک سو، هنوز به علت عدم تأمین سوخت فسیلی و قطع درخت به صورت قاچاق و عدم کاربرد مکانیزاسیون، افت و ضایعات فراوان در این جنگلها به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، وجود دامهای اهلی، که تعداد آن نیز به نسبت سطح جنگل زیاد است، با چرای نهالهای جوان لطمه به تجدید حیات و زادآوری طبیعی جنگل وارد می‌آورند، یا عبارتی، عدم تناسب افزایش بهره‌وری عوامل تولید در اراضی کشاورزی با توجه به رشد جمعیت، تعرض به اراضی جنگلی را به دنبال دارد.

سیاست جنگل و بهره‌برداری از آن، مخصوص جنگلهای شمال ایران بوده است و در مورد بیوم جنگلهای بلوط غرب یا حاشیه بحر عمان و خلیج فارس و بیوم جنگلهای کویری، کلاً برنامه‌ای وجود نداشت، تا این که در سه دهه اخیر، به این بخش، مخصوصاً جنگلهای بیابانی، به منظور جلوگیری از گسترش شن روان و کویر، اهمیت دادند و اقدامات ارزنده‌ای در این بیوم، صورت گرفت.

● تلاش ۴۰ ساله جنگلداری در ایران

تلاش ۴۰ ساله اخیر جنگلداری در ایران، نشان می‌دهد، حدود ۱/۱ میلیون هکتار از جنگل، زیر پوشش طرح جنگلداری است و حدود ۴۵۰ کیلومتر راه جنگلی، در جنگلهای شمال کشور، احداث شده و حدوداً ۲۰۰ هزار هکتار از سطح اراضی جنگلی، جنگلکاری شده است و سالیانه، به حجم ۲ میلیون متر مکعب، از جنگلها چوب برداشت می‌شود که ۲/۳ آن به صورت گرده بینه و هیزم صنعتی است. در حقیقت تلاش جنگلداری، حفظ اکوسیستمهای جنگلی است که این نقش، بسیار ارزنده و نیز قابل اهمیت‌تر از تولید چوب است.

● شناسایی پتانسیل جنگلهای ایران

به طور دقیق، هنوز نمی‌توان میزان و سطح جنگل را در کشورمان تعیین کرد، ولی آنچه از آخرین آمار و اطلاعات اخذ شده است، جنگلهای ایران را در ۶ گروه، به شرح زیر تقسیم نموده‌اند:

انسان عامل اصلی تخریب جنگل در ایران است، که بطور مستقیم با قطع درختان و تبدیل جنگل به زمین کشاورزی و به طور غیرمستقیم با ورود تعداد زیاد دام اهلی که در جنگلها برای چرا برده می‌شوند، در تخریب جنگل دخالت دارد.

تاریخ هفتادساله جنگلبانی، نشان می‌دهد که سطح جنگل - بازادیاد جمعیت از ۸ میلیون نفر به ۶۰ میلیون نفر - از ۲۰ میلیون هکتار، به حدود ۳/۵ میلیون هکتار کاهش پیدا نموده یا به عبارتی، بهره‌برداری و تخریب بیش از اندازه و بی‌رویه در طول ۷۰ سال، موجب کاهش ۷۰ درصد سطح جنگلهای کشورمان شده است. آنچه غیر از کاهش سطح جنگلها مطرح است، کاهش میزان زیست جرم Biomass جنگلهاست که اثر شدیدی در کاهش توان تولیدی جنگل، داشته است. با یک نگاه به جدول شماره ۱ و مقایسه آن با جدول شماره ۲، نقصان زیست جرم از ۳۰۰ تن به طور متوسط به ۱۰۰ تن در جنگلهای شمال ایران که در طول ۷۰ سال انجام شده نیز، فاجعه دیگری است که قابل بررسی می‌باشد و با مقایسه جدول شماره ۱ و شماره ۲، موقعیت زیست جرم سایر جنگلهای کشورمان نیز ملاحظه می‌شود.

همواره، این حقیقت غیرقابل کتمان است که کشور ما، از تنوع آب و هوایی جالبی برخوردار می‌باشد. میزان بارندگی سالیانه از ۲۰ میلیمتر در مناطق کویری بیابانی تا ۲۲۰۰ میلیمتر در ارتفاعات جنگلهای خزری درگیلان متفاوت است و درجه حرارت نیز در بعضی ارتفاعات و کوههای کشورمان از ۴۵- درجه تا ۵۴+ درجه سانتیگراد در مناطق بیابانی متغیر می‌باشد. این تغییرات، موجب وجود بیومها و جوامع گیاهی متنوع و متفاوتی در کشورمان شده است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

علاوه بر کاهش سطح جنگل و میزان زیست جرم، انهدام جوامع گیاهی جنگل نیز، از اثرات تخریب جنگلها است که به طور مثال، در گذشته جامعه گیاهی بلوط و سمشاد در قسمت پایین ارتفاعات مناطق دشتی جنگلهای خزری وجود داشته، ولی امروزه، جنگل و این جوامع به مزارع برنج، باغات مرکبات و مزارع چای تبدیل شده است. یا بعضی انواع گونه‌های درختی مانند: درخت آزاد، سرخدار و گردو، در اثر قطع بهره‌برداری بی‌رویه، در حال نابودی و انقراض می‌باشند.

همان طوری که اشاره شد، تخریب زیادی در جنگلهای ایران صورت گرفته است و لازمه آن، توجه مشترک دولت و مردم به این مهم است زیرا جنگلهای کشورمان، دارای پتانسیل حفاظت خاک، تنظیم جریانات آبی، کنترل سیلاب، تطهیر کننده هوا، کنترل کننده انواع آلودگی، محیط زیست حیوانات و انسان به

جدول شماره ۱: مساحت جنگلهای طبیعی کشور در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، زمانی که جمعیت کشور حدود ۸ میلیون نفر بوده است.

شماره	نوع جنگل	مساحت (هکتار)	تعداد واحد (مهره) در هر واحد
۱	جنگل طبیعی	۲۱۱,۰۰۰/۰۰۰	۵۰/۰۰۰
۲	جنگلهای باغری	۵۰۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰
۳	جنگلهای باغری	۲۲۰,۰۰۰/۰۰۰	۳۰۰/۰۰۰
۴	جنگلهای پراکنده کوهستانی بته، ارس، بهام	۳,۲۰۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰
۵	جنگلهای شمالی فارسی گرسیری	۲,۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰
۶	جنگلهای کویری دشتی گز، قیج، اسکمیل	۲,۰۰۰/۰۰۰	۵۰/۰۰۰

شمار می‌روند. در گذشته سهل انگاری و بی‌احتیاطی زیادی، در مورد حفاظت جنگلها، اعمال شده است.

زندگی انسانها به گیاهان و جنگلها وابسته است؛ زندگی مردم جنگل‌نشین با درختان جنگل درآمیخته و زیستگاه آنها جنگل است، بنابراین یک اکوسیستم جنگلی را باید با مردم آن مورد نگرش قرار داد. حلقه مفقوده ما اینست که، چه عاملی موجب می‌شود که انسان به جنگل لطمه وارد آورد. آیا این عامل نیاز، زیاده خواهی یا عدم توجه به نقش جنگل در سایر موارد بارزش، به غیر از استفاده از چوب درختان و تبدیل جنگل به زمین کشاورزی می‌باشد.

در ابتدای مقاله به جنگلهای خزری، به عنوان یکی از مفاخر ملی اشاره نمودیم که امروزه فقط، به صورت نوار باریک و کم عمقی در دامنه‌های شمالی و بلندیهای البرز باقیمانده است فراوانی بارندگی و رطوبت زیاد هوا در مجاورت دریای خزر، منطقه مشخص و ممیزی را بوجود آورده، که پوشیده از جنگل پهن برگ و انواع درختان بلوط، افرا، توسکا، شمشاد، انجیلی و راش است، این جنگلها، مامن و زیستگاه انواع حیوانات وحشی و پرندگان زیبا است، جاذبه‌ها و پتانسیل توریستی این جنگلها را، نمی‌توان نادیده گرفت، لذا توجه به آن امری بدیهی است.

● مشکلات حفاظت جنگل و جنگلداری در ایران

هریک از انواع جنگل در ایران، دارای مشکلات

جدول شماره ۲: مساحت جنگلهای طبیعی کشور در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی، زمانی که جمعیت کشور حدود ۶۰ میلیون نفر بوده است.

مربوط به خود است، ولی در بعضی موارد مشکلات مشترک و مشابه یکدیگر می‌باشند.

۱ - مشکلات حفاظت و جنگلداری در جنگلهای خزری

از مشکلات عمده حفاظت و جنگلداری در شمال کشور (جنگلهای خزری)، وجود ۳۴۰۰ آبادی و روستا در قالب ۷۸ هزار خانوار به جمعیت ۴۶۴ هزار نفر، در داخل و حريم جنگل می‌باشد. بدیهی است، جمعیت و نیازهای این افراد به مواد غذایی، اشتغال و تولید درآمد، روز بروز افزوده می‌شود. پس در پی نیازهای فوق؛ نگهداری دام در جنگل، تبدیل اراضی جنگلی به مزارع دایمی و باغات، خلوت کردن جنگل و تبدیل جنگل به علوفه‌زار، نیاز به مصرف چوب (سالیانه معادل ۴ میلیون متر مکعب)، بروز سیل‌های سالیان اخیر و انواع فرسایش خاک، مخصوصاً فرسایش لغزشی از جمله مشکلات مربوط به جنگلهای خزری به شمار می‌رود.

۲ - مشکلات حفاظت و جنگلداری در جنگلهای حوزه ارسباران

گرچه در این جنگلها، مطالعات کمتری صورت گرفته است، ولی باز هم مشکل عمده در حفاظت و جنگلداری این جنگلها، مساله قطع درختان جنگلی و گسترش کشاورزی در محدوده‌های جنگلی است. تعداد زیاد دام نیز، برای تجدید حیات طبیعی جنگلهای فوق، مشکل آفرین می‌باشد.

۱۳۷۰ هجری شمسی، زمانی که جمعیت کشور حدود

۳ - مشکلات حفاظت و جنگلداری در جنگلهای زاگرس

به نظر می‌رسد، جنگلهای منطقه زاگرس، خسارت بسیاری را متحمل شده و عرصه‌های جنگلی آن در گذشته، مورد چرای شدید دام قرار داشته است. قطع سرشاخه‌های درختان بلوط، قطع درختان عرصه جنگل به منظور تأمین زمین زراعی، تهیه ذغال از درختان بلوط، بنه و غیره از مواردی است که جنگلهای دامنه زاگرس را در معرض خطر و نابودی قرار داده است. به غیر از مشکل تهیه ذغال از چوب درختان که در اثر وجود مواد سوختنی فسیلی که شدت آن کاهش یافته است، دیگر مشکلات فوق همچنان ادامه دارد و با بروز فرسایش شدید خاک نیز، همراه می‌باشد. از مشکلات مهمتر، در این مناطق، ایجاد سدهای بزرگ جمع‌آوری آب و تولید برق است که با بروز فرسایش همه ساله مقدار زیادی رسوب وارد مخازن این سدها می‌شود و از ظرفیت آن می‌کاهد و به کاربری این سدها، که با هزینه گزاف احداث شده است، لطمه وارد می‌کند.

۴ - مشکلات مربوط به جنگلهای کوهستانی

این نوع جنگلها، در کوهستانهای کشورمان در شمال، جنوب، مشرق و مغرب کشور، به صورت توده‌های تنک و انبوه مجزا یا درهم، با سه گونه ارس، بنه و بادام، مشاهده می‌شود. بدیهی است، این مناطق نیز از چرای شدید دام و قطع درختان، به منظور سوخت در امان نبوده و لطمه فراوانی را متحمل شده است. نقش این جنگلها در شرایط فعلی، فقط می‌تواند، نقش حفاظت خاک و کنترل فرسایش باشد.

۵ - مشکلات مرتبط به جنگلهای کویری تاغ، اسکمبیل، گز و قیج

این جنگلها، اغلب در حواشی کویر و مناطق خشک و شنی، به صورت توده‌های انبوه و نیمه انبوه و تنک مشاهده می‌شود که در اراضی کویری و شنزارها گسترش دارد. تا سالهای ۱۳۴۳، کمتر به این جنگلها اهمیت داده می‌شد و چرای شدید دام و قطع درختان برای سوخت و تهیه ذغال، عامل تخریب این جنگلها به شمار می‌رفت. در این سالها، به تدریج چون بحث کنترل شنهای روان و کویرزدایی به وسیله دولت مطرح

شماره	نوع جنگل	مساحت (هکتار)	بیومس (تن در هکتار)	تعداد واحد دام موجود در جنگل
۱	جنگلهای خزری	۱/۲۰۰/۰۰۰	۱۰۰	۵۰۰۰/۰۰۰
۲	جنگلهای ارسباران	۶۰/۰۰۰	۳۰	۳۰۰/۰۰۰
۳	جنگلهای زاگرس	۱/۵۰۰/۰۰۰	۸	۱۰/۰۰۰/۰۰۰
۴	جنگلهای پراکنده کوهستانی بنه، ارس، بادام	۵۰۰/۰۰۰	۲	۴/۰۰۰/۰۰۰
۵	جنگلهای عمانی فارسی گرمسیری	۶۰/۰۰۰	۴	۳۰۰/۰۰۰
۶	جنگلهای کویری و شنی (تاغ، گز، قیج، اسکمبیل)	۴۰/۰۰۰	۰/۵	۱۶۰/۰۰۰

شد، این جنگلها مورد توجه واقع شد و در احیا و توسعه آن، به حق همت گماشتند و این تنها موردی از جنگل است، که سطح آن نسبت به سه دهه گذشته، گسترش یافته است. در ظرف ۳۰ سال گذشته، سطحی به وسعت ۲ میلیون هکتار درختکاری و بوته کاری در این مناطق انجام شده، که حدوداً ۲۰۰ هزار هکتار آن، به صورت جنگل کویری درآمده است.

۶- مشکلات مربوط به جنگل‌های عمانی فارسی

این جنگلها، در حاشیه بحر عمان و خلیج فارس گسترش دارد و اغلب درختان کروت، آکاسیا کهور، کنار و غیره، به صورت توده‌های جنگلی، این مناطق را تشکیل می‌دهد. آسیب این جنگلها، بیشتر برای دستیابی به زمین کشاورزی و سوخت بوده است. البته چرای شدید دام نیز، در این مناطق به چشم می‌خورد. در چند سال اخیر، نسبت به اصلاح و توسعه این جنگلها، به صورت برنامه‌های جنگلکاری، اقداماتی انجام شده، ولی حرکت کند بوده و در سطوح وسیع انجام نگرفته است، یا به عبارتی، حساسیت نوع خاک و وضعیت ژئومورفیک منطقه و وضعیت اقتصادی و اجتماعی سبب گردیده است که چاره‌اندیشی مؤثری، را برای احیای این جنگلها، اتخاذ نماییم.

● جنگل و توسعه پایدار

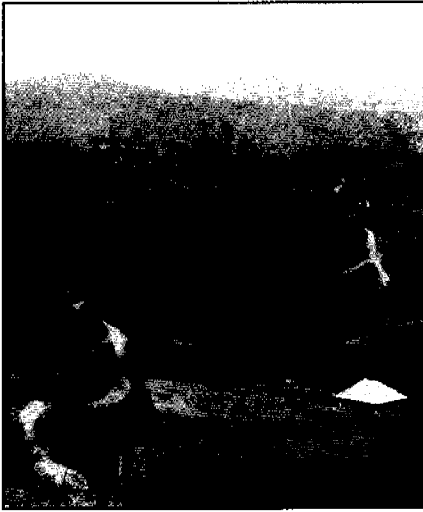
انتخاب استراتژی و سیاست برای اعمال مدیریت در جنگل، در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. جنگل‌های کشور ما با نقش زیست محیطی و حفاظت از خاک و آب یا عبارتی، تنظیم جریان‌های سطحی که دارند، مبنای اصلی را در سیاستگذاری در ارتباط با جنگل تشکیل می‌دهند. گرچه نمی‌توان نقش تولید چوب و علوفه و سایر محصولات فرعی را که از جنگل بدست می‌آید، نادیده انگاشت، ولی هرگونه بهره‌برداری از منابع جنگلی به طور مسجل باید بر مبنای اصل زیست محیطی آن باشد. عدم توجه به این اصل، تاکنون منجر به تخریب سطح زیادی از جنگلها شده است. در سیاستگذاریهای آتی باید مردم جنگل‌نشین را جزئی از اکوسیستم به حساب آورد و تعلقات و وابستگیهای مردم را به جنگل زیادتر نمود، تا در حفاظت جنگل موفق‌تر باشیم.

مشاهدات و تجربیات کسب شده، حکایت از این دارد که مردم جنگل‌نشین، خود را در مدیریت و اداره جنگل سهیم نمی‌بینند. ناگفته نماند، تعاونیهای جنگل‌نشینان که اخیراً در شمال کشور استقرار یافته است؛ دیدگاه مادی و درآمد جنگل‌نشینان را، در سالیان اول (کوتاه مدت)، عوض می‌کنند و به درآمد آنها می‌افزایند. ولی به طور مسلم می‌باید به جنبه‌های معنوی و احساس تعلق مردم جنگل‌نشین به جنگل بیشتر توجه شود. این امر مستلزم مطالعات و اقدامات اجتماعی و جامعه‌شناسی بسزای جنگل‌نشینان است که باید در بلندمدت، ملحوظ گردد. کارخانجات برش چوب و تولید محصولات چوبی که اغلب به شکل دولتی و در سهام دولت می‌باشد.

سودآور نبوده‌اند، علاوه بر این که، نقش اقتصادی با اهمیتی ندارند، با داشتن کارگران بیش از ظرفیت کارخانه‌ها و اساساً کهنه بودن ماشین‌آلات، که اغلب خارج از رده می‌باشند، از جنگل برحسب توان اشتغال‌زایی آن نیز، استفاده نمی‌کنند. در شرایط کنونی، افت و ضایعات چوب در جنگل‌های شمال ایران زیاد و از یک روند معمولی پیروی نمی‌کند. لذا تفکر و تحقق در این امر از اصول بهره‌برداری از جنگل خواهد بود. مسأله مدرنیزه نمودن ماشین‌آلات و بهره‌برداری از صنایع وابسته به چوب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین ورود ماشین‌آلات جدید و گسترش صنایع چوبی و به کارگماردن جنگل‌نشینان و تأمین درآمد مکفی برای آنها، به طور مؤثر در تخریب جنگل دخالت دارد.

- با توجه به سیاست اصل زیست محیطی، واگذاری جنگل و تبدیل آن از هر نظر، به صلاح و صواب نیست و ضرورت منافع عمومی، ایجاب می‌نماید، به مسأله تجاوز و تخریب غیرقانونی جنگل بیشتر توجه شود و از نیروهای مردمی و انتظامی مخصوص جنگل نیز استفاده شود.

- در گذشته، چنین معمول بوده که اساس توجه برنامه دولت، فقط متوجه جنگل‌های تجاری شمال کشور بوده است، در حالی که سایر بیومهای جنگلی ایران، به دلیل محدودیتهای بارندگی، رطوبت، وضعیت ژئومورفولوژیک، خاک، درجه حرارت و غیره ارزش والایی دارند که در حد لازم، به آن اهمیت داده



نشده است. پس ضروری است، با توجه به سیاست اصل زیست محیطی و توسعه پایدار به این جنگلها توجه خاص مبذول گردد و در ضمن به سطح جنگلکاری با مشارکت مردم افزوده شود.

با یک مطالعه ساده، این حقیقت آشکار می‌شود که کشور همسایه ما، ترکیه با وسعت ۵۷۶، ۷۸ کیلومتر مربع، سالیانه حدود یک میلیارد نهال جنگلی برای جنگلکاری تولید می‌نماید. در حالی که کشور ما با وسعت ۱/۶۴۸/۰۰۰ کیلومتر مربع، حداکثر ۵۰ تا ۶۰ میلیون نهال، برای توسعه جنگل تولید می‌کند که این رقم در مقایسه، بسیار ناچیز می‌باشد. پس در شرایط فعلی، ضروری است دولت از جنگل‌های اختصاصی نیز، در مناطقی که مردم با واگذاری اراضی به آنها جنگلکاری می‌کنند و در آن به منظور تولید چوب، تولید علوفه، حیات وحش، و غیره درختکاری می‌کنند، پشتیبانی نماید و لازمه آن، این است که مناطق مناسب و دارای پتانسیل شناسایی و مطالعه شوند و با ضوابط ساده، جهت جنگلکاری به منظور اهداف اشاره شده، به مردم واگذار گردد.

● منابع مورد استفاده:

- ۱- مجموعه مقالات و گزارشات سمینار جنگلکاری احیای جنگلها و درختکاری کشور دفتر جنگلکاری پارکها، بندرعباس ۱۳۶۶.
- ۲- گزارش جنگل، گروه توسعه پایدار، برنامه توسعه عمران سازمان ملل متحد و سازمان زیست محیط. تهران ۱۳۷۳.
- ۳- مبین، صادق، جغرافیای گیاهی ایران، دانشگاه تهران ۱۳۶۰